نگاهی به فعل aufkommen و حروف اضافه آن

written by مرتضی غلام نژاد | آگوست 16, 2021

سلام دوستان

در این درس میخواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به فعل مهم و پرکاربرد aufkommen در زبان آلمانی

ایجاد کردن ، به وجود آمدن ، جبران کردن ، قبول مسئولیت کردن

گذشته ساده : kamen auf

گذشته کامل : sind aufgekommen

توجه داشته باشید که فعل aufkommen مانند آن دسته افعالی که با حروف اضافه ترکیب میشوند ؛ می تواند در جمله مورد استفاده قرار بگیرد و معنی و مفهوم تازه ی به خود بگیرد.

برای درک بیشتر به مثال های زیر توجه کنید:

هرگاه فعل aufkommen به همراه حرف اضافه gegen در جمله مورد استفاده قرار میگیرد می تواند معانی همچون : حریف کسی یا چیزی نشدن

du kommst gegen ihn nicht auf

تو حریف او (مذکر) نمیشوی

gegen einen mächtigen Mann nicht aufkommen können

از پسِ یک آدم قدرتمند نتوانیم بر بیاییم

حریفِ یه آدم قلچماق نتونیم بشیم

هرگاه فعل aufkommen با حرف اضافه für در جملات مورد استفاده قرار بگیرد آنگاه می تواند معانی همچون : گردن گرفتن یا بر عهده گرفتن به خود بدهد

für jemanden Schulden aufkommen

بدهیهای کسی را برعهده گرفتن یا گردن گرفتن

für einen Schaden aufkommen

جبران ضرر یا خسارتی را برعهده گرفتن (تا آنرا جبران کنیم)

و در حالت منفی به این صورت است:

ich kommen für nichts auf. Er muss für den Schaden aufkommen

من هیچ چیز را گردن نمیگیرم ؛ او باید خودش خسارت را جبران کند.

für die Kinder aufkommen

مسئولیت بچه ها را برعهده گرفتن یا پذیرفتن و گردن گرفتن

نکته : با توجه به جمله بالا aufkommen به همراه für میتواند معانی همچون گردن گرفتن یا نگرفتن و همچنین جبران کردن یا جبران نکردن را در جملات بهمراه خود داشته باشد.

هرگاه aufkommen بهمراه حرف اضافه neben در جملات مورد استفاده قرار میگیرد چاره ای جز Reflexiv شدن ندارد که در ادامه به آن میپردازیم

هرگاه در حالت Reflexiv مورد استفاده قرار بگیرد آنگاه به معنی : اجازه عرض اندام ندادن ؛ به کسی یا چیزی میدان ندادن

niemanden neben sich aufkommen lassen

در دور و بر خود یا اطراف خود به کسی میدان ندیم ، در دور و برمان اجازه عرض اندام به کسی ندیم

du wolltest niemanden neben dir aufkommen lassen

تو نمیخواستی در دور و بر خودت به کسی میدان بدی یا اجاره عرض اندام بدهی

البته می تواند بدون neben نیز بکار برده شود اما دیگر معنی در دور بر ؛ در نزدیکی یا اون اطراف را دیگر بهمراه ندارد

sich aufkommen lassen اجازه عرض اندام ندادن ؛ به کسی یا چیزی میدان ندادن

aber er hat noch nicht einmal den Gedanken in sich aufkommen lassen, dass

حتی او یکبار هم اجازه یا میدان نداد به آن فکر ؛ که در او (تاثیری ایجاد کند) ...

هرگاه این فعل به همراه lassen در جملات بکار برده میشود معانی چون : اجازه ندیم (چیزی یا اتفاقی) رخ بدهد یا پیش بیاید.

um kein Missverständnis aufkommen zu lassen

اجازه ندیم یا نداریم هیچ سوء تفاهمی ایجاد بشه یا بوجود بیاد

برای رفع هر گونه سوء تفاهم ؛ برای اینکه سوء تفاهمی پیش نیاد

wir dürfen keinen Zweifel darüber aufkommen lassen, dass

ما نباید جای هیچ گونه شبهه ای را در این رابطه باقی بگذاریم ؛ که...

چند مثال دیگر و پایان این درس

wir wollen kein Misstrauen aufkommen lassen

ما قصد نداریم اجازه بدیم (که) بدگمانی بوجود بیاید.

ein Strum kommt auf, wir sollten das Segel einholen

دارد طوفان میشود (در تفکر آلمانی: دارد طوفان اتفاق میافتد) ما می بایستی بادبان ها را پایین میکشیدیم

falls noch Frage aufkommen, bin ich heute nur noch bis ca Uhr erreichbar

درصورتی که (اگر یا چنانچه) سوالی پیش آمد ؛ من امروز فقط تا حدود ساعت 12:30 دقیقه در دسترس هستم

آموزش زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :
